پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۴۹ـ۷۹ (مقاله پژوهشی)

No. 29, Autumn & Winter 2021/2022

تبیین مؤلفه‌های مؤثر در ارتباط‌سنجی دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر» با رویکرد تحلیل معنایی و روایی

نیلوفر حسینی ترکانی[۱]، سیده فاطمه هاشمی[۲]، احمدرضا غایی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۴ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۲۴)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر» و با رویکرد تحلیل معنایی و روایی، به تطبیق ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در تحلیل معنایی و مضمونی این دو سوره پرداخته‌است. علی‌رغم شروع هر دو سوره با «اذا»ی ظرفیّه ـ شرطیّه، به نظر می‌رسد که به دلیل تفاوت در ساختار شکلی و محتوایی آیات این دو سوره، ارتباط معناداری بین آن‌ها مطرح نباشد. در حالی‌که با تطبیق مهمترین ابعاد تحلیل معنایی و مضمونی و نیز با استناد به قرینه سیاق آیات این دو سوره نسبت به یکدیگر و نهایتاً با تمسک به پشتوانه روایی معصومین (ع) به عنوان مؤلفه‌های مهم ارتباط‌سنجی، می‌توان به وجوه اشتراک و ارتباط معنادار مضمونی بین این دو سوره دست یافت. بر این اساس، محوریت مشترک در ارتباط معنایی مضمونی و روایی این دو سوره، قطعیت تحقق وعده الهی در نصرت و فتح نهایی و ثبوت عزت الهی برای مؤمنان (در سوره النصر) و زوال منافقان و مخالفان دین (در سوره المنافقون) است که در اعتقاد به ولایت‌پذیری متجلّی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: ارتباط‌سنجی، تحلیل معنایی، سور اذائیه، سوره المنافقون، سوره النصر، سیاق.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
nhoseinitorkani@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Dr.fat.hashemi@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Ahm.Qaye@iaretbac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

۱ـ طرح مسأله

یکی از مباحث مهم در پژوهش‌های قرآنی، بررسی این ارتباط و هماهنگی در دسته‌ای از سوره‌های قرآن کریم است که به نظر می‌رسد از حیث آیات آغازین مشترک آن‌ها دارای نوعی ارتباط ویژه و اشتراک موضوعی و محتوایی نسبت به یکدیگر باشند. از آن جمله، هفت سوره مشهور به سور اذائیه هستند که با اذای ظرفیّه ـ شرطیّه آغاز شده‌اند و شامل سوره‌های «الواقعه، المنافقون، التکویر، الإنفطار، الإنشقاق، الزلزال و النصر» می‌باشند.

در مقاله پیش رو صرفاً ارتباط معنایی دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر» مورد بررسی قرار گرفته است. چرا که دو سوره نامبرده از حیث ساختار شکلی و مضمونی و سیاق آیات نه تنها از پنج سوره اذائیه دیگر که مضمون اخروی دارند متمایز هستند، بلکه در نگاه اولیه به نظر می‌رسد که بین همین دو سوره نیز به دلیل تفاوت در محتوا و متعلقات «اذا» ارتباط معناداری وجود نداشته باشد.

هدف مقاله آن است که با رویکرد تحلیل معنایی و روایی به تطبیق مهمترین مؤلفه‌های مؤثر در ارتباط‌سنجی و هماهنگی میان این دو سوره استدلال کند تا بدین‌وسیله گامی در تبیین یکی از ابعاد مهم شناخت و هماهنگی میان سوره‌های اذائیه نامبرده بردارد.

مسأله اصلی در این پژوهش آن است که اساساً مهمترین ابعاد و مؤلفه‌های ارتباط سنجی در تحلیل معنایی و روایی پیرامون این دو سوره چیست و چگونه تحلیل می‌گردد؟ در پاسخ به این سوال، ضمن بیان اهداف و محتوای دو سوره، به تبیین و تطبیق مهمترین ابعاد تحلیل محتوایی نظیرحُسن مَطلع، متعلّقات «اذا» و فضای نزول دو سوره و نیز کاربرد سیاق آیات با بهره از روایات معصومین(ع) پرداخته می‌شود تا نهایتاً بتوان به ارتباط یا عدم ارتباط بین این دو سوره حکم داد.

در مرور مطالعاتی پیرامون موضوع مورد بحث در این مقاله، عمده پژوهش‌های تفصیلی یا تحلیلی در کل سور اذائیه یا بخشی از آن‌ها با تأکید بر مباحث ساختارشناسی یا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

مؤلفه‌های زبان شناسی و سبک شناسی در جنبه‌های بلاغی و ادبی و تاریخی صورت گرفته است.[۱] لیکن پژوهشی که بطور خاص به ارتباط سنجی دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر» با رویکرد تحلیلی و معنایی و روایی به سبک مقاله حاضر پرداخته باشد یافت نشد. این نوع تحلیل و رویکرد می‌تواند نوآوری پژوهش حاضر قلمداد شود و افق تازه‌ای را در مسیر شناخت و تبیین هماهنگی و ارتباط معنایی مجموع سور اذائیه قرآن و مطابقت آن‌ها با مؤیدات قرآنی و روایی بگشاید.

۲ـ مفهوم شناسی برخی کلیدواژه‌ها

ارتباط‌سنجی: بررسی ارتباط و میزان پیوند در اموری است که وجوه اشتراک از حیث ظاهر یا مضمون و اهداف و موضوع و یا بافت کلامی و پیامی بین آن‌ها مطرح باشد.

تحلیل معنایی: مراد از تحلیل معنایی، هر گونه تلاش در تفسیر و فهم کلام از سطح اولیه به فهم معانی عمیق و درست در سطح بالاتر است. تحلیل معنایی را می‌توان زیرمجموعه‌ای از تحلیل محتوایی با رویکرد مضمونی دانست؛ چرا که تحلیل محتوا روشی برای دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام است به‌طوری‌که به پژوهش‌گر امکان مطالعه پیام‌هایی که در نگاه اول دیده نمی‌شود را می‌دهد. (خاکی، ۳۰) تحلیل معنایی بیشتر ناظر بر معنای کلمات خاص (کلیدی) و مضمون آن کلمات در کنار یکدیگر در جمله است.

---

۱. در زمینه موضوع مقاله و ارتباط بین سوره‌های «المنافقون و النصر» هیچ مقاله مشابهی یافت نشد و فقط در مورد هر دو سوره نزدیکترین پژوهشهای یافت شده عبارتند از: ۱ـ نقش بافت موقعیتی و پیرامونی در تفسیر آیات مربوط به منافقان (مطالعه موردی آیات ۸ ـ ۲۰ سوره بقره و آیات ۱ ـ۹ سوره المنافقون) نویسندگان مرضیه دیانی و اعظم پرچم؛ که رویکرد این مقاله ادبیاتی بوده و با استفاده از تحلیل بافت‌های مختلف و روابط متداخل و بر اساس نیازها و اولویت‌های علمی تفسیر به مؤلفه‌های بافت موقعیتی و پیرامونی در بخشی از آیات سوره المنافقون پرداخته و ارتباط متنی و دلالی الفاظ آیات با بافت پیرامونی و نقش کنش‌گران را تبیین نموده‌است. ۲ـ خوانشی نو در تاریخ‌گذاری سوره «النصر»، نویسندگان زهرا کلباسی و امیر احمدنژاد؛ که رویکرد این مقاله نیز صرفاً تاریخی بوده و به مسأله بحث برانگیز تعیین تاریخ نزول سوره النصر با استفاده از قرائن درونی و بیرونی متن و مقایسه آن‌ها با روایات، به تعیین زمان نزول سوره، پرداخته‌است.رویکرد خاص مقاله پیش رو،نه ادبیاتی است و نه تاریخی؛ بلکه رویکرد خاص این مقاله، تحلیلی، تفسیری و روایی در راستای ارتباط‌سنجی بین دو سوره المنافقون و النصر است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

منظور از تحلیل معنایی سوره‌ها در پژوهش حاضر، تحلیل معنایی مصطلح در علوم زبانشناختی نیست؛ بلکه تحلیل متنیِ مضمونِ آیات براساس مؤلفه‌ها و ابعاد خاص تحلیل معنایی از قبیل توجه به حسُن مَطلع، توجه به اهداف و محتوا و فضای نزول سوره و وجه تناسب آیات در هر سوره است که منجر فهم معنای عمیق تفسیری می‌گردد.

سیاق: توجه به سیاق به عنوان یکی از مقدمات و قرائن مهم در تحلیل معنای مضمونی و تفسیری متن حائز اهمیت است. آیت اللّه محمد باقر صدر تمام دلالت کننده‌های لفظی و غیر لفظی که متن را احاطه کرده‌اند، سیاق نامیده است. (صدر، ۶۲۲/۴)

در تحلیل سیاق باید توجه داشت که جهت‌گیری کلی کلام (سیاق)، هم در ایجاد نظام زبانی حاکم بر کلام از جهت چینش و آرایش کلمه‌ها و شیوه واژه گزینی و تقدیم و تاخیرها یا حذف و ذکر و... قابل درک است و هم در معنای جملات در کلام متناسب با آن فضا و جهت‌گیری کلی نقش دارد. (معرفت، ۷۱/۱) در پژوهش حاضر توجه به سیاق در الفاظ یا تعابیر خاص در آیات دو سوره اذائیه مورد نظر به عنوان یکی از ابعاد مؤثر در تحلیل معنایی کاربرد دارد.

منظور از سیاق در این مقاله، سیاق در حوزه علوم تفسیر قرآن با روش تفسیری قرآن به قرآن است که به فهم قرآن و دلالت‌های معنایی آن اهتمام دارند، نه سیاق ادبیاتی و بلاغی و اصولی و زبانشناختی.

سور اذائیه «المنافقون و النصر»: منظور از سور اذائیه، هفت سوره از قرآن است که آیات آغازین آن‌ها با اذای ظرفیّه ـ شرطیّه شروع شده و شامل سوره‌های «الواقعه، المنافقون، التکویر، الإنفطار، الإنشقاق، الزلزال و النصر» می‌باشند. معرفی اجمالی دوسوره اذائیه «المنافقون و النصر» به جهت موضوعیت ارتباط‌سنجی این دو سوره در مقاله حاضر، ضروری می‌نماید.

سوره «المنافقون» مدنی‌النزول و مشتمل بر ۱۱ آیه و پیرامون افشای ماهیت منافقان، ترسیم چهره و افشای توطئه آنان، ذکر عوامل غفلت از یاد خدا و دستور به انفاق در راه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

پروردگار و بیان اهمیت آن است. (طبرسی، ۳۲/۲۵)

سوره «النصر» مدنی النزول و مشتمل بر ۳ آیه و پیرامون وعده نصرت و فتح الهی به پیامبر(ص)، بشارت و نوید پیروزی عظیم دین اسلام، بشارت استقبال گسترده مردم از دین اسلام و دستور به تسبیح و استغفار الهی است. (طبرسی، ۳۲۶/۲۷)

۳- ابعاد و مؤلفه‌های مهم تحلیل معنایی در دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر»

قرآن همه آیات خود را منسجم و دارای نظمی واحد توصیف می‌کند که در بیان حقایق و حکمت‌ها و هدایت به سوی حق، اسلوبی متقن و بی‌مانند داشته و نظیر یکدیگرند. (طباطبایی، ۲۱/۳) این امر لزوماً در دسته‌ای از سور قرآنی که دارای مطلع مشترک هستند نظیر سور اذائیه از اهمیت و و ضرورت شناخت بیشتری برخوردار است.

تحلیل معنایی در دو سوره المنافقون و النصر در چند بُعد قابل بررسی است که شامل: توجه به مطلع مشترک اذا و متعلَّق آن،بررسی مکّی یا مدنی النزول بودن سوره، شناخت اهداف سوره و بررسی هماهنگی مضامین آیات هر سوره با اهداف آن، توجه به فضای نزول هر سوره و توجه به بافت سیاق آیات در هر سوره می‌شود. جهت بررسی و تحلیل این ابعاد، ابتدا به بیان ابعاد و سپس تطبیق آن‌ها بر مضامین دو سوره مورد نظر پرداخته می‌شود.

۳-۱. بُعد اول: توجه به مطلع مشترک «اذا» و متعلّق آن

در تحقیقات قرآنی، مطلع مشترک یا سرآغاز سوره‌ها یکی از ملاک‌های حائز اهمیت در تشخیص معیار گروه‌بندی سوره‌ها به‌شمار می‌آید؛ از این‌رو سوره‌هایی از قرآن که دارای سرآغاز مشابهی هستند در قالب یک گروه جای می‌گیرند که از ارتباط و انسجام ساختاری و محتوایی برخوردارند. سیوطی در خصوص هفت سوره اذائیه قرآن یادآوری می‌کند که همگی سور اذائیه چون با اذای ظرفیّه ـ شرطیّه آغاز شده‌اند دارای تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب هستند. (سیوطی، الإتقان، ۳۳/۲) مفسران، مطلع مشترک را با تأکید بر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

احادیث معتبر، نشانه تقارن موضوعی آن‌ها دانسته‌اند (لسانی، ۱۰۸) هرچند به نظر می‌رسد لزوماً و همواره چنین نیست. چنان‌که بین دو سوره «المنافقون و النصر» در بدو امر، چنین تقارن و تشابه موضوعی نسبت به پنج سوره اذائیه اُخروی دیگر مشاهده نمی‌شود. (مگر با قرائن روایی معتبر) سور «المنافقون و النصر» با اسم شرط «اذا» آغاز شده‌اند:[۱]

«إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ لَکاذِبُون» (المنافقون، ۱)

«اذا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْح» (النصر، ۱)

از این جهت، این دو سوره دارای مطلع مشترک یا حُسن آغاز هستند. «اذا» ظرف زمان و از ادات شرط است. در سور اذائیه، هنگامی که جمله با شرط آغاز می‌شود، تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب دارد. این امر مخصوصاً زمانی که فعل بعد از «اذا» در زمان ماضی بکار رفته باشد، به دلیل این‌که معنای جمله را به معنای مستقبل می‌برد، مخاطب را بر شنیدن و دقت بیشتر جهت دریافت مقصد پیام و آگاهی از قطعیت خبرِ آورده‌شده، تهییج و مشتاق‌تر نموده و مخاطب را از قطعیت وقوع اخبار مهمی که در جواب «اذا» می‌آید آگاه می‌کند. (سیوطی، ۳۳۵/۲)

در آیات فوق، متعلق «اذا» (فعل شرط اول) یعنی فعل ماضی «جاءَ» شامل همین قانون است. این شمول به فعل شرطی دیگر و متعلق دوم اذا یعنی فعل «رَأیتَ» نیز تعلق می‌گیرد:

«وَ إِذا رَأَیْتَهُمْ تُعْجِبُکَ أَجْسامُهُمْ وَ إِنْ یَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ کَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَة...» (المنافقون، ۴)

«وَ رَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْوَاجًا...» (النصر، ۲)

واژه «رؤیت» از مصدر ثلاثی مجرد رأی یَری به صورت‌های مختلف در قرآن کریم آمده است. معنای لغوی «رأی» دیدن با چشم ظاهر، عقل، قلب و قوه خیال است و در چنان‌که با یک مفعول همراه شود (مانند دو آیه فوق)، به معنای دیدن ظاهری است. (راغب، ۳۳۲؛ ابن‌منظور، ۲۹۱/۱۴)

---

۱. در سوره «منافقون» علاوه بر آیه اول که با «اذا» شروع شده، آیات ۳، ۴ و ۵ نیز با اذا آغاز شده که در بخش افتراقات این دو سوره، می‌تواند مطرح باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

منافقین همواره سعی دارند ظاهر خود را بیارایند، و فصیح و بلیغ سخن بگویند و این به جهت نقش فریبکارانه آن‌هاست. هرچند در هر دو آیه یک خطاب عمومی مشاهده می‌شود، لیکن علامه طباطبایی معتقد است که در آیه ۴ سوره المنافقون، صرفاً پیامبر(ص) مورد خطاب نبوده و منظور این‌است که بفهماند منافقین چنین وضعی به خود می‌گیرند. (طباطبایی، ۴۷۴/۱۹)

همو معتقد است در سوره «النصر» با توجه به «اذا» در آیه اول و خبر آن، یعنی امری که هنوز رخ نداده و آن امر یاری و فتح است، این سوره از مژده‌های خداوند به پیامبر(ص) و نیز از ملاحم و اعجاز و خبرهای غیبی قرآن‌کریم است، لذا مخاطبِ فعلِ «رأیت» در سوره النصر نیز، فقط پیامبر(ص) نیست. (همو، ۶۵۱/۲۰)

در بسیاری از آیات قرآن مانند این دو آیه، «رؤیت» در همان معنای ظاهری خود، یعنی دیدن با چشم در خواب و در بیداری به کار رفته‌است. در این‌جا نیز «رَأَیتَ» به دیدنِ وضع و حال منافقان در سوره «المنافقون» و نیز مؤمنان در سوره «النصر» اشاره دارد که می‌تواند به عنوان قرینه‌ای در ارتباط‌سنجی بین دو سوره کاربرد داشته باشد.

۳-۲. بعد دوم: توجه به فضای نزول آیات هر سوره

از قرائن منفصل مؤثر در فهم قرآن و کاربرد تحلیل معنایی سوره‌ها توجه به فضای نزول آیات آن از دو جهت: مکّی یا مدنی‌النزول بودن سوره و توجه به روایات اسباب النزول آیات هر سوره است.

۳ـ۲ ـ۱. مکّی یا مدنی‌النزول بودن دو سوره اذائیه «المنافقون و النصر»

علم به مکّی یا مدنی بودن سوره‌ها از قرائن مهم در تبیین مراد آیات آن‌ها است که در شناخت تاریخ نزول سوره، شناخت تسلسل تدریجی آیات و سُور، شناخت اسباب نزول و فضای حاکم بر سوره و نیز در فهم تشریعات اسلامی، شایان اهمیت است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

سوره‌های مکّی و مدنی غالباً دارای الفاظ و پیام‌های مشترک و متشابه هستند. در آیات مکّی، گاه برخی مُجملات مطرح شده که بعداً در آیات مدنی، همان موارد توضیح و تفصیل داده می‌شوند. (طباطبایی، ۱۵۸/۲) گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم، نظیر یکدیگر هستند، در حالی‌که الفاظ، مضامین و حتی لحن مشترکی در ظاهر آیات آن‌ها مشاهده نمی‌شود. مفسر در این مورد باید آن چنان اشراف و حضور ذهنی درباره قرآن‌کریم داشته‌باشد که به مقدار وسع و تکلیف، همه آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً گردآوری کرده و محتوای آن‌ها را مورد توجه قرار دهد. (مصلائی‌پوریزدی و دیمه‌کار، ۱۴۵ـ۶۵)

بنابراین در نظایر معنوی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد، هرچند ممکن است الفاظ مشترکی میان آن‌ها مشاهده نشود. این امر در سور اذائیه مدنی‌النزول «المنافقون و النصر» بیشتر صدق می‌کند؛ چراکه هرچند دارای الفاظ مشترک چندانی نیستند، لیکن به دلیل مدنی‌النزول بودن، از جهت روشنگری و بیان تکلیف، مفاهیم و سیاق‌های مشترکی را به دست می‌دهند.

ملاک تشخیص سور مکّی و مدنی، دوعامل سماعی (نقل روایات معتبر) و قیاسی (استنباط و تطبیق علائم صوری و ظاهری یا علائم محتوایی و معنایی) است. این دو ملاک، در ارتباط و کشف مشابهت فضای نزول سوره‌ها کاربرد دارد.

بخش عمده آیاتی که درباره سرگذشت و احوال منافقان نازل شده، مدنی‌النزول بوده و درباره حوادث پس از هجرت است. روشن است که این امر به‌خاطر گسترش فعالیت‌های منافقانه در مدینه و اطراف آن و به‌دلیل شرایط خاص و موفقیت‌هایی بود که در پی تشکیل حکومت اسلامی برای امت پیامبر(ص) به وجود آمده بود. مؤید این مطلب، روایات قطعی مبنی بر مدنی‌النزول بودن دو سوره المنافقون و النصر است.

برخی مورخان و مفسران، به پشتوانه روایاتی که در شأن نزول آیات ۱ تا ۸ سوره «المنافقون» موجود است، شأن نزول این سوره را مربوط به تهدید عبداللّه بن ابی به پیامبر(ص) دانسته و زمان نزول آن را ـ بنابر نظر مشهور ـ بازگشت از جنگ بنی‌مُصطَلق در شعبان سال پنجم هجری اعلام کرده‌اند. چنان‌که علی‌بن‌ابراهیم نقل می‌کند: آیه اول

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

سوره المنافقون در جنگ مریسع که همان غزوه بنی‌مصطَلق بوده و در سال پنجم هجرت اتفاق افتاده، نازل شده است. (قمی، ۳۷۰/۲؛ مجلسی،۲۰/ ۲۸۵؛ بحرانی، ۱۷/۸) طبرسی نیز معتقد است که همه آیات یازده‌گانه این سوره در مدینه در سال سوم از هجرت پیامبر گرامی(ص) فرود آمده است. (طبرسی، ۳۱/۲۵) جمع اقوال و روایات، بر قطعیت مدنی‌النزول بودن سوره «المنافقون» دلالت دارد.

درباره سوره «النصر» نیز در منابع شیعی، روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که این سوره، آخر مانزل معرفی شده است: "اول ما نزل علی رسول اللّه (ص): بسم‌اللّه‌الرحمن الرحیم، إقرا باسم ربّک ... و آخر مانزل علیه: اذاجا نصراللّه" (بحرانی، ۲۹/۱؛ کلینی، ۶۲۸/۲؛ صدوق، ۶/۲) در منابع عامه نیز روایتی از ابن‌عباس نقل شده که آخرین سوره قرآن که یک‌باره نازل شد، سوره النصر بوده است. (سیوطی، الإتقان، ۴۰۷/۶؛ قرطبی، ۲۲/۲۰) جمع اقوال و روایات، بر مدنی‌النزول بودن سوره «النصر» نیز اتفاق نظر دارند.

افزون بر استناد به روایات، موضوع اصلی هر دو سوره نیز که به اقتضای علائم محتوایی و قیاسی مربوط به نصرت الهی در جریان فتح مکّه و بشارت گستردگی دین اسلام در سراسر عالم پس از فتح مکّه (در سوره النصر) و نیز شرح حال منافقان (در سوره المنافقون) است و این علائم، صراحتاً جزء خصایص سور مدنی به شمار می‌آیند، می‌تواند مؤیدی بر ارتباط بین این دو سوره از حیث فضای نزول باشد.

۳ـ۲ـ۲. اسباب‌النزول دو سوره

در سبب نزول سوره «المنافقون» اختلافی نیست و طبق روایات، در فضایی نازل شد که بین مهاجران و انصار بعد از جنگ بنی‌المصطلق اختلافی پیش آمد. عبداللّه‌بن‌ابی با دمیدن در این اختلاف درصدد شعله‌ور کردن آتش آن بود که در نهایت با هوشیاری پیامبر(ص) و مسلمانان، فتنه خاموش گشت هرچند عبدالله‌بن‌ابی و دیگر منافقان، از کار خود تبرّی جستند؛ ولی خداوند با نزول این سوره از نیّات باطنی آن‌ها پرده برداشت و کاملاً

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

رسوایشان رسوا نمود. (قمی، ۱۴۹/۵؛ طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۴۶/۲۵)

سبب نزول سوره «النصر» براساس نقل‌قول‌ها متفاوت است. اگر نزول این سوره در سال هشتم و یا قبل از آن باشد، این وعده، پیشگویی برای فتح مکّه و گرایش مردم به دین اسلام است. اما اگر در سال دهم هجرت و در حجةالوداع نازل شده باشد، خبری از گذشته است برای آگاه نمودن مسلمانان از عظمت پیروزی‌ها در ایجاد گرایش بیشتر مردم جزیرةالعرب به اسلام و لزوم شکرگزاری در برابر این نعمتها و حتی به نوعی خبر از اتمام زمان رسالت پیامبر(ص) و پایان عمر شریفشان. به اعتقاد علامه، نزدیک‌تر به اعتبار همان است که بگوییم: مراد از نصر و فتح در این سوره، نصرت رسول خدا (ص) بر کفار قریش، و مراد از فتح، فتح مکه است. نیز بگوییم این سوره بعد از صلح حدیبیه و بعد از نزول سوره فتح و قبل از فتح مکه نازل شده است. (طباطبایی، ۶۵۲/۲۰)

از این‌رو سبب نزول سوره، می‌تواند مخاطب را با ایجاد حس ارتباط بین دو سوره به طور ملموس‌تری به فضای نزول سوره نزدیک کرده و به عنوان یکی از مؤلفه‌های این ارتباط‌سنجی در گرایش ذهن مخاطب به سمت اهداف سوره، کاربرد داشته باشد.

۳ـ۳. بُعد سوم: شناخت اهداف و بررسی هماهنگی آن با مضامین آیات هر سوره

هر سوره دارای اهداف اصلی است که با دقت در محتوا و مضامین و سیاق آیات هر سوره و نیز با بهره‌گیری از آراء مفسران در تفاسیر معتبر، قابل درک است .در بررسی و تحلیل معنایی و تفسیری، اشتراکات و افتراقات و خط و سیاق آیات را با توجه به اهداف سوره‌ها می‌توان فهمید. هدف‌مندی سوره‌ها، توجّه قرآن‌پژوهان معاصر را به خود معطوف ساخته‌است. سیوطی معتقد است که هر چند پیشینه اجمالی این نظریّه به سده‌های گذشته برمی‌گردد، اما تبیین، ترویج و نقد آن در عصر حاضر رونق یافته‌است. (سیوطی، الإتقان، ۱۰۸/۲)

طبق نظر مفسرین، ارتباط هدف هر سوره با آیات آن سوره همچون بندی است که مرواریدهای آیات آن سوره را به یکدیگر متّصل می‌سازد و چتر خویش را بر سر هر آیه‌ای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

می‌گستراند. از این رو باید در هر آیه‌ای به دنبال رنگ و بویی از هدف سوره بود و آیه را در راستای هدف سوره، تفسیر کرد. (جوادی آملی، ۵۴۸/۱۳) برای هر سوره، حکمت و هدف ویژه‌ای وجود دارد، اگرچه ممکن است آن هدف، پیوند محتوایی نباشد بلکه حکمت و هدف دیگری غیر از ارتباط محتوایی و مضمونی در کار باشد. (همو، ۴۲۲/۶ـ۴۲۳)

هر یک از دو سوره «المنافقون و النصر» دارای اهداف خاص و به تبع آن دارای مضامین و محتوای خاص خود هستند که به عنوان عاملی در پیوستگی اهداف و مضامین هر سوره در تحلیل معنایی، قابل تحلیل و بررسی است.

مهم‌ترین اهداف سوره «المنافقون»، افشای ماهیت پلید منافقان و مرزبندی بین مؤمنان و منافقان (در آیات ۱ تا ۸) و هشدار در مورد غفلت از یاد خدا و یادمرگ (در آیات ۹ تا ۱۱) است. (طباطبایی، ۴۶۹/۱۹)، طبق نظرسیدقطب در سراسر قرآن، تقریباً سوره مدنی یافت نمی‌شود که در آن خداوند، آشکارا یا پنهان، خطر منافقان را گوشزد نکرده باشد. چرا که حرکت نفاق با دخول اسلام به مدینه آغاز شده و تا نزدیک وفات پیامبر (ص) ادامه داشت و تقریباً هیچ وقت قطع نگردید و صرفاً نمادها و سیماها و ابزار نفاق، گاهاً تغییر می‌یافت که این امر، حرکت فعال و نشاط و اوقات و تاب و توان مسلمانان را به خود مشغول کرده و از این جهت خطرناک‌ترین قشر جامعه، محسوب می‌شدند. (سیدقطب، ۳۲۷/۶) سوره «المنافقون» بطور خاص و در چند آیه پیاپی، به افشای ماهیت حقیقی منافقان می‌پردازد و با تأکید بر لزوم پایبندی مؤمنان به توحید و التزام به احکام شرعی، به انسان‌ها تذکر می‌دهد که با هوشیاری و یاد مرگ و حس مراقبه بیشتر، چگونه خود را از صفت غیر انسانی نفاق و دورویی مصون بدارند و مرزشان را با منافقان شفاف کنند تا بتوانند از سرانجام شقاوت‌مند و دردناک آنان در امان مانده و خطراتشان را دفع کنند. روشن است که اهداف این سوره، کاملاً با مضامینش هماهنگ است.

مهم‌ترین اهداف سوره «النصر» ایجاد حس امیدواری به یاری الهی و پیروزی و گسترش اسلام (در آیات اول و دوم) و یادآوری لزوم سپاس‌گزاری و استغفار بعد از پیروزی‌ها (در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

آیه سوم) است. (طباطبایی، ۶۵۱/۲۰) سید قطب معتقد است که این سوره می‌خواهد پرده از حقیقت و سرشت دین الهی بردارد و میزان اراده خدا را در رساندن انسان‌ها به والایی و بزرگواری و خلوص و بزرگواری و آزادی و... روشن کند. (سید قطب، ۹۸۱/۶) روشن است که مضمون و هدف در سوره «النصر»، کاملاً هماهنگ است. نیز هدف مشترک دو سوره مدنی‌النزول «المنافقون و النصر»، با استناد به اهداف و مضامین این دو سوره اذائیه، بیان عبرت‌ها و دستاوردهایی از اتفاقات این دنیا برای ایجاد حس توبه و بازگشت دل به سوی پروردگار است. توجه به اهداف و هماهنگی یافت شده مضامین آیات، توجه مخاطب را به سیاق آیات، معطوف می‌کند.

۳ـ ٤. بُعد چهارم: توجه به سیاق آیات هر سوره

یکی از مهمترین دانش‌های مربوط به فهم زبان عربی که جایگاه ویژه‌ای در فهم و تبیین مفاهیم قرآنی دارد، بحث از سیاق آیه یا آیات است که به طور مستقیم در تحلیل دلالتهای معنایی و تفسیری آیات و سور قرآنی و تعیین آن به کار می‌رود. (عوّا، ۷۱ ـ۷۲) ابن قیّم می‌گوید: «سیاق از مهم‌ترین قرینه‌هایی است که بر مراد متکلم دلالت دارد و هر کس آن را وانهد در نظر و دیدگاه‌هایش دچار اشتباه و بدفهمی خواهد شد.» (ابن قیّم، ۳۰۱/۲، به نقل از عوّا، همانجا)

اصولاً تحلیل معنایی نزد علمای اسلامی به اعتبار هدف اصلی دانش به سمت مراد متکلّم گرایش دارد نه گیرنده و مخاطب کلام. از همین‌جا تفاوت سیاق و کارکرد آن نزد علمای تفسیر و علمای علم بلاغت روشن می‌شود. زیرا در دیدگاه مفسران، با تأمل و تحلیل نظری دقیق در سیاق آیه یا آیات قرآنی می‌توان به نقش سیاق و برخی دلالت‌های معناییِ واقعی متکلّم رسید. درحالی‌که خواستگاه علمای بلاغت در دلالت کلام بیشتر تکیه بر اقتضاء حال و مقام مخاطبان است.

استفاده از سیاق، نزد علمای تفسیری در دوران معاصر، بیشتر در تفاسیر قرآن به قرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

دیده می‌شود که مفسران برای فهم مراد خداوند از آیات قرآنی، از سیاق آیه یا آیات و جملات قرآنی بهره می‌گیرند و با تبیین لایه‌های معنایی، سعی در احیاء مقاصد و رازهای پنهانی آیات دارند. چنان‌که علامه طباطبایی در المیزان با همین روش، بارها از سیاق آیه و آیات، جمله و جملات و نقش آن در تعیین دلالت معنایی الفاظ یا صحت اسباب‌النزول و... بهره جسته است.

هر چند معمولاً جایگاه سیاق در مبحث الفاظ مطرح می‌شود، لیکن در اصطلاح اهل ادب، به نحوه جمله‌بندی که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات است، سیاق گفته می‌شود. به گونه‌ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمات یا جملات، معانی دیگری نیز برای جمله متصور می‌شود. لذا برخی، از سیاقِ لفظ یا سیاقِ تعابیر یا سیاقِ جمله یا سیاقِ کلام نیز بحث می‌کنند. نقش مهم سیاق، نه تنها در سیاق آیه و آیات، بلکه در تناسب آیات و سور و دلالت معنایی واژگان و تعابیر نیز می‌تواند راه‌گشا باشد. از همین رو به کاربرد نقش سیاق در آیات دو سوره «المنافقون و النصر» که در تبیین دلالت معنایی آیات این دو سوره و ارتباط‌سنجی آن‌ها مؤثر است، به تفکیک می‌توان اشاره کرد:

۳ ـ ٤ ـ ۱. نقش سیاق در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاصِ سوره «المنافقون»

سیاق کلمه «اذا» در آیه اول در عبارت «إِذَا جَاءَکَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِینَ لَکَاذِبُونَ»، ظهور در استقبال دارد و اقتضای این ظهور، خبری در مضمون آیه بعنوان امری است که هنوز رخ نداده، لیکن به زودی رخ خواهد داد که همانا شرح حال منافقان است. (طباطبایی، ۴۷۴/۱۹)

سیاق در آیات ۱ تا ۴، دلالت بر معنای کذب مُخبری منافقان است نه کذب خبری آنان. گاه کذب، بخاطر خبری است که گوینده می‌گوید ولی با خارج، تطابق ندارد و گاه به خاطر اعتقاد دروغ خبردهنده است، درحالی‌که چه بسا متن خبر مطابق با واقع باشد.

سیاق آیه ۱، در عبارت «قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ»؛ افشای کذب مُخبری منافقان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

است. علامه طباطبایی معتقد است که این شهادت منافقان، سوگند دروغ بر خبری صدق است، چرا که خداوند در ادامه آیه با عبارت «وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ» بر صدق رسالت رسول‌اللّه تأکید می‌کند و از آنجایی‌که خدا بصیرٌ بالعباد است، لذا این کذب را بر اساس سیاقی که در آخر آیه است افشا می‌کند: «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»؛ پس شهادت منافقان در این آیه دلالت بر کذب مخبر دارد نه کذب خبر راست آنان. (طباطبایی، ۴۶۹/۱۹) به اعتقاد سید قطب، منافقان از گواهی به شهادتین، قصد حق و حقیقت نداشتند بلکه برای تقیه گواهی می‌دادند و مرادشان صرافاً حفظ خودشان بود. خداوند آنان را در این گواهی، دروغگو می‌داند و با عبارت «وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ»، از پیامبر خود و مؤمنان، پاسداری می‌نماید. (سید قطب، ۳۳۰/۶)

در آیه ۲ این سوره «إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» نیز سیاق دیگری بر این کذب مخبری، قابل استناد است. چرا که شهادت و سوگندهای منافقان را به عنوان سپر دین که عامل بازداشتن مردم از راه خداست، معرفی می‌کند. در این‌جا نیز ظاهرِ شهادت‌ها و سوگندها درست است لیکن اعتقاد و نیّتشان در کاربرد آن‌ها در اظهار ایمانِ کذب، برای پیشبرد اهدافشان است. سید قطب در تطبیق با نظر علامه طباطبایی معتقد است که این حال تباه و این گواهی و سوگندهای دروغین، تعلیلی است بر این‌که اینان بعد از ایمان و شناخت اسلام، کافر گردیده‌اند. سیاق در آیه دوم نیز نشان دهنده کذب مخبری آنان است، چرا که ایمان، اگر با دانش و بینش و ذوق سلیم و حیات در دل عجین شود، هرگز به کفر برنمی‌گردد. (همانجا، ۳۳۱)

نیز در آیه ۳ در عبارت «ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا...» سیاق‌های کذب مُخبری آنان در مصادیق آمَنوا و کَفروا مشهود است. شهادتینِ زبانی در عبارت "آمنوا" یعنی ایمان آوردیم که در ظاهر، صدق است، لیکن عطف بر جمله "کَفَروا"، این تظاهر، افشا شده و حکایت از اعتقاد باطل قلبی آنان در تظاهر بر ایمان به خداست. نتیجه این نفاق و دورویی در آخر آیه نیز با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

جمله «فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» بعنوان سیاق تهدید، قابل استناد است.[۱] (همانجا)

سیاق آیات ۱ تا ۴ از جهت دیگر، سیاق تهدید و رسوایی و مذمت منافقان است. به طوری‌که در آیه ۲، عبارت «...إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، معرّف زشتی اعمال منافقان و حتمی بودن عقاب آنان است. یا در آیه ۳، عبارت «... فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» بر سبیل مجاز، با مهر زده شدن بر قلب‌ها و اندیشه‌هایشان قدرت بازگشت بحق را نداشته و رسوا می‌شوند. و در آیه ۳ «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ...» منافقان در ظاهر سیمای زیبا و سخنانی فریبنده و اغواگر دارند، اما قرآن با کاربرد تعبیر تشبیهی «خشبٌ مُسنّده» یعنی چوب‌هایی خشک تکیه زده شده به دیوار، پرده از زیبایی سیمایی و گفتاری آنان برداشته و پوچی و حقارت ذات منافقان را با مذمت تحقیری ادیبانه، حال درونی و کذب مخبری آنان را به تصویر می‌کشد. این جمود و رکود و فسردن، ایشان را از لحاظ دانش و بینش ارواحشان به تصویر می‌کشد. (همو، ۳۳۲/۶) این افشاگری، با ادامه آیه «...يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ...» تعابیر ترس همیشگی این عناصر پوشالی از افشا شدن نیات درونی در کفر پنهانشان و حس دشمن پنداری دیگران، بر سیاق رسوایی ایشان قابل تطبیق است. چرا که سیاق لفظ "علیهم" دلالت دارد بر اینکه منافقان از صاحب آن صیحه و کلاً از هر صدایی وحشت دارند. (همانجا)

عبارت "قاتلَهُم اللّه" در آخر همین آیه «... فاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» نیز سیاق تهدید است. به اعتقاد علامه طباطبایی، این جمله تهدیدی و نفرینی است. نیز نگفته است: "قَتَلَهُمُ اللّه، چراکه در باب مفاعله، شدت این نفرین ملموس‌تر است. همو معتقد است، این عبارت ممکن است سیاق تعجب یا سیاق دور شدن از رحمت الهی باشد، لیکن، سیاق تهدید و نفرین را در عبارت "قاتلَهم اللّه" ارجح می‌داند. (طباطبایی، ۴۷۴/۱۹) سید قطب معتقد است که، به پیامبر(ص) دستور قتل منافقان داده نشد، بلکه حکمت و سعه صدر و اطمینان از نجات را در نفرینی تعریف می‌کند که مفهوم آن در "قاتلهم اللّه پیاده می‌شود و قطعاً به اجرا

---

۱. مؤید دیگر این مطلب، سیاق آیه ۱۴ سوره بقره است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

در می‌آید، به‌طوری‌که هیچ چیزی دافع و مانع این قضا و قدر نیست. (سید قطب، ۳۳۳/۶)

به اعتقاد طبرسی، عبارت "أنّی یؤفَکون"، در ادامه همین آیه، صرف توبیخ و سرکوب کردن و ادامه همان سیاق تهدید در عبارت "قاتلهم اللّه" است و جنبه استفهام ندارد. (طبرسی، ۲۹۲/۱۰). لیکن علامه، با وجودی که قول طبرسی را در سیاق توبیخ و سرکوب، نفی نمی‌کند، لیکن برداشت عبارت "أنی یؤفکون" به عنوان سیاق تعجب و برانگیختن تعجب شنونده را ارجح می‌داند. (طباطبایی، ۴۷۴/۱۹)

پیشنهاد استغفار به منافقان نزد رسول خدا(ص) در آیه ۵ در عبارت: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ...» نیز بعنوان سیاق رسوایی و مذمت، دال بر رسوایی فسق و ارتکاب خیانت آنان مطرح است. به طوری‌که منافقان که برای اثبات ایمانشان به استغفار دعوت می‌شوند، به‌دلیل نفاق درونی و متکبّرانه از این شفقت الهی روی برمی‌گردانند. (همانجا) به اعتقاد سیدقطب سوگندهای دروغ در آیه دوم و استکبار در پذیرش استغفار در این آیه، هر دو نشانه‌های ملازم یکدیگر در فسق و فجوری است که در ذات منافق است. (سید قطب،۳۳۹/۶)

سیاق آیه ۶ به قرینه ابتدای آیه در عبارت «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ...»، کنایه از بی اثر بودن نتیجه استغفار برای منافقان است. پس سیاق انتهای همین آیه در عبارت «...إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»، بیان کنایه‌ای است جهت تعلیل؛ چرا که این عدم هدایت، ابتدا به ساکن از جانب خداوند نبوده است؛ بلکه چون منافقان فاسق‌اند، لذا از آمرزش که نوعی هدایت به سوی سعادت است، محروم‌اند. پس زیمنه این محرومیت را خودشان فراهم می‌کنند. در این آیه، فسق و فجوری که به سبب آن قضا و قدر یزدان در حق ایشان (مبنی بر عدم هدایت منافقان) واجب و لازم گردیده است، معرفی شده است. (همانجا)

عبارت «..وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» در آیه ۷ سیاق پاسخی است به سخن منافقان در عبارت «...يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُّوا...» منافقان به یاران رسول

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

خدا(ص) گفتند: انفاق نکنید. روشن است خداوندکه مالک تمام خزائن آسمان و زمین است، برای پیشبرد دین خود احتیاج به کمک منافقان ندارد. در این سیاق، ذلت و پستی منافقان مشهود است. گنجینه‌های ارزاق برای همگان است و خدایی که به دشمنان خود این ارزاق را عطاء می‌کند، دوستان خود را هرگز فراموش نمی‌کند. (همان، ۳۴۰)

سیاق آیه ۸ در عبارت «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ...» با روایات اسباب‌النزول سوره، کاملاً در تطابق است؛ در این‌جا منظور از گوینده کلام، عبداللّه ابی‌بن سلول است که منظور از أعَز، خودش و منظور از أذَل، رسول خدا(ص) است. نیز با استفاده از ضمیر متکلم مع‌الغیر در «رجعنا»، قصد معرفی همدستانش به عنوان شریک جرم و همراه در این اخراج و تهدید را داشته است. (طباطبایی، ۴۷۶/۱۹) مؤید این مطلب، در اعتقاد صاحب فی‌ظلال، متجلّی است که خوارترین و زبون ترین فرد وارد مدینه نشد مگر با اجازه عزیزترین و گرامی‌ترین فرد. (همانجا)

در همین آیه، سیاق دیگری در عبارت «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» است که دلالت برعدم فهم منافقان در شمول عزّت بر گسترده ربوبیت خدا و رسالت رسول خدا و خداپرستی مؤمنان دارد. (همانجا، ۴۸۲) به اعتقاد صاحب مجمع‌البیان برای خدا عزّت است به ربوبیّت او و برای پیامبر عزّت است به رسالت او و برای مؤمنان عزّت است به بندگی و خدا پرستی آنان، خداوند نیز به‌این موضوع خبر داد، آن‌گاه محقق و مسلّم فرمود که پیامبر و مؤمنان را عزیز و غالب نموده و شرق و غرب زمین را برای آنان بگشاید. (طبرسی، ۵۱/۲۵) خداوند، پیغمبرش و مؤمنان را در طرف خود قرار می‌دهد و از عزت خود که هرگز سبک نمی‌گردد و سستی نمی‌پذیرد، بر ایشان می‌افزاید. (سید قطب، ۳۴۰/۶)

سیاق آیه ۹ درخطاب به مؤمنان با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...»، در مصداق "لاتُلهِکُم"، سیاق نهی کنایه‌ای است به معنای این‌که سرگرم به مال و اولاد نشوید. از آنجایی که طبیعت مال و اولاد خواستگاه غفلت می‌تواند باشد، لذا در این‌جا نهی دلبستگی بعنوان کنایه از تصریح، مؤکدتر است. (طباطبایی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

۴۹۰/۱۹) مؤید این مطلب در اعتقاد صاحب فی ظلال است کـه امـوال و اولاد بـرای ایـن داده نشده که انسان را از تماس با عطا کننده و منبع نعمت و رحمـت، بگسـلاند. چـرا کـه موجودیت انسان و انسانیت نیز از خداست. (سیدقطب، ۳۴۱/۶)

نیز امام سجاد(ع) می‌فرماید: عقل راهنمای خیرات است و هوا و هـوس‌هـای نفسـانی مرکب گناهان. فقه، فهم ظرف عمل و دنیا بازار آخرت است. و نفس، تاجر این بازار است. شب‌وروز سرمایه است و سود این تجارت، بهشت و ضرر آن، آتش است. این است به خدا تجارتی که فانی نخواهد شد و بضاعت و جنسی که در معامله آن ضرر نیست. و مثـل ایـن فرمایش از رسول خدا (ص) رسیده‌است. که در آن ذکر شده که؛ دنیـا بـازار رسـتگاران از شیعیان است که پیرو ائمه خود می‌باشند. و به تحقیق که جامع همه این فرمایشات، اینست: «...لاتُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لاأَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِالله...» (مفید، ۵/۱)

در آیه ۱۰، قید "مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ"در عبارت «وَأَنْفِقُوا مِـنْ مَـا رَزَقْنَـاكُمْ مِـنْ قَبْـلِ أَنْ يَـأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ...»، سیاق منّت از سوی خدا است. تمام آنچه انفاق‌دهنده می‌بخشد، عطیه‌ای از جانب خدا و تملیکی است که هرگز از مُلک خدا بیرون نرفته است. (طباطبـایی، ۴۹۰/۱۹ ـ ۴۹۱) نیز در همین آیه در ترکیب وصفی «أجلٍ قَریب»، سیاقی است دال بر تقاضای مهلت قلیلی از عمر برای کسی که فرصت انفاق را از دست داده و به خیال تقاضای مهلت انـدک، راه را برای اجابت فرصت انفاق، سهل می‌پندارد. علامه معتقد به تصور سیاق دیگری بـرای أجلٍ قَریب است، تحت عنوان سیاق "نزدیکی وقوع اجل"؛ چرا که أجل، آمدنی و همـواره نزدیک است. (همانجا)

سیاق واژه «أجل» در آیه ۱۱ «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا...» به معنای قضای حتمی (مرگ) و از مصادیق آن است که در آن تأخیر و تقدیمی وجود ندارد.[1] هـر کـس را کـه از خدا تأخیر أجل را بخواهد مأیوس کرده می‌فرماید: وقتی أجل کسی رسـید، و نشـانه‌هـای مرگ آمد، دیگر تأخیر داده نمی‌شود. (همانجا)

---

۱. این مطلب با آیه ۳۴ سوره اعراف: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» در تطابق است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

لازم به ذکر است، سیاق آیات ۷ و ۱۰ سوره المنافقون در کاربرد مفهوم انفاق اشتراک دارند. در آیه ۷ اشاره به خست منافقین در انفاق و بخشش دارد بطوری که این امر را تا لحظه مرگ معطل می گذارند تا مومنان را تضعیف کنند و در آیه ۱۰ به مؤمنین توصیه به انفاق قبل از مرگ می کند و آن را نشانه ای از نیکوکاری بر می شمارد.

۳ـ٤ـ۲. نقش سیاق در دلالت معنایی الفاظ و تعابیر خاصِ سوره «النصر»

سیاق کلمه «اذا» در آیه اول در عبارت «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»، ظهور در استقبال دارد و اقتضای این ظهور، خبری در مضمون آیه بعنوان امری است که هنوز رخ نداده، لیکن به زودی رخ خواهدداد که همانا نصرت و فتح الهی است. (طباطبایی، ۶۵۱/۲۰)

سیاق آیه ۲ در ورود مردم به صورت فوج فوج در دین الهی در عبارت «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»، دلالت دارد بر اینکه بر جنس نصرت و فتح در تمام موافقی که خداوند پیامبرش را یاری و پیروز کرده، نباشد. پس منظور از این آیه ایمان آوردن انصار و اهل یمن و پیروزی صلح حدیبیه نیست چرا که آن‌ها فوج فوج ایمان نیاوردند. بنابراین سیاق این آیه، صرفاً اشاره به مصداق نصرت و فتح الهی در جریان فتح مکّه است که در حیات رسول خدا (ص)، امّ‌الفُتوحات نام داشته و بنیان شرک را در جزیره العرب ریشه کن ساخته و با روایات سبب نزول این سوره نیز در تطابق است.

مطابق با آیه اول سوره فتح «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» و آیه ۳: «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا» عبارات "فتح مبین" و "نصر عزیز" مؤیداتی بر فتح مکّه است که دو سال بعد از صلح حدیبیه اتفاق افتاده و نشان‌دهنده این‌است که سوره «النصر» بعد از سوره «الفتح» و قبل از فتح مکّه یا در جریان آن نازل شده است. (همان، ۶۵۲)

اساساً واژگان نصر و فتح، معانی نزدیک به یکدیگر دارند ولی با هم متفاوتند. به اعتقاد شهید مطهری، غلبه از آن‌جهت که غلبه بر دشمنان است، نصر است و شاید ترجمه صحیحش همان کلمه پیروزی باشد؛ لیکن غلبه بر سرزمینِ دشمن و زیر تسلط گرفتن سرزمین دشمن، فتح است که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

ترجمه‌اش گشودن است. پس فتح یعنی گشودن سرزمین. (مطهری، ۲۶۱/۲۶)

سیاق و تناسب در آیه سوم سوره النصر که امر به تسبیح و حمد پروردگار بعد از تحقق پیروزیها را در عبارت «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابًا» بیان می‌کند، دو وجه دارد؛ وجه اول اینکه: خبر آیه اول، مبنی بر نصرت و فتح الهی، بیانگر اذلال خداوند نسبت به شرک (ابطال باطل) و نیز اعزاز خداوند نسبت به توحید (احقاق حق) است؛ لذا اقتضا دارد که بعد از رؤیت ابطال باطل و احقاق حق،در آیه دوم، سخن از تنزیه و تسبیح خدا در آیه سوم باشد. وجه دوم اینکه: چون این فتح و نصر، نعمت بزرگ الهی است لذا اقتضا دارد پیامبر خدا (ص) و مؤمنین، به حمد خدا بپردازند. (طباطبایی، همانجا)

وجه سیاق و تناسب دیگر در آیه ۳، امر به تسبیح و حمدخدا با امر به استغفار بعد از رؤیت نصرت و فتح الهی است. دلالت این سیاق بر این معناست که بعد از پیروزی‌های گسترده و تحقق وعده خدا، آن حضرت و سایر مسلمین با توجه به اهمیت موضوع و نیز نقص و نیاز بندگان در برابر خدای رب العالمین، بیاد جلال الهی که همان «تسبیح خدا» و به یاد جلال الهی که همان «حمد خدا» است و نیز به یاد نقص و نیاز خود به «استغفار» و مداومت آن بپردازند. (هر چند استغفار رسول خدا (ص)، جنبه تکمیل شکرگزاری ایشان است) (همانجا)

سیاق دیگر این سوره در تفسیر صاحب مجمع‌البیان است مبنی بر این که دانشمندان در این‌که از چه صورت دانستند که این سوره اخبار از مرگ آن حضرت است اختلاف کرده‌اند. چرا که در ظاهر آن خبر مرگی نیست. سیاق استغفار در آخرین آیه سوره النصر، این معنی را می‌رساند که در موقع کمال، انتظار زوال و نابودی است و هر گاه کاری به کمال و تمامش رسید نقص آن ظاهر شودو منتظر زوال و نابودی آن باش. (طبرسی، ۳۲۹/۲۷)

صاحب تفسیر فی ظلال القرآن نیز درباره سیاق‌های سه آیه فوق معتقد است که این نصرت و فتح، هدف خداست که آن را ترسیم و تعیین می‌کند. کاری که پیامبر و اصحاب و یارانش در آن قدرت و دستی ندارند ایشان در این یاری و پیروزی به خویشتن بهره‌ای نمی‌رسانند؛ بلکه کار، کارخداست و این کار را بدون ایشان یا با ایشان محقق و پیاده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

می‌گرداند. لیکن مقدر است که خدا این کار را به دست ایشان محقق و پیاده گرداند ؛یعنی این‌ها وسیله و پاسدار آن هستند.پس به شکرانه چنین توفیقاتی، تسبیح و تقدیس و حمد و سپاس و درخواست آمرزش در لحظه پیروزی و فوز عظیم، امر می‌شود. چرا که خدا بر ایشان منت نهاده و آنان را پاسدار آیین خود نموده و مردم را گروه گروه به این خیر سرشار و همه‌جا گستر درآورده‌است. (سید قطب،۹۸۴/۶)

٤ـ وجوه اشتراک (ارتباط) دو سوره «المنافقون و النصر» با محوریت مؤلفه‌های تحلیل معنایی و تفسیری

با تبیین و تطبیق مهم‌ترین مؤلفه‌های تحلیل معنایی در دو سوره مورد نظر، عمده‌ترین وجوه اشتراکی به دست می‌آید که بیانگر ارتباط معنادار بین این دو سوره، علی‌رغم هدف و محتوای متفاوت آن‌ها می‌باشد.

٤ـ۱. مطلع مشترکِ «اذا»ی ظرفیّه ـ شرطیّه دال بر معنای مستقبل (آینده)

در سوره المنافقون دلالت بر خبر آمدن منافقان به محضر پیامبر خدا (ص) دارد که با کذب ناشی از نفاق درونی، تظاهر به شهادتین می‌کنند. این هشدار قبل از وقوع آن به پیامبر(ص) داده شد تا بداند این آگاهی از طرف خداست. هرچند به حسب ظاهر راست و جذاب سخن بگویند.

در سوره النصر نیز بشارت نصرت و فتح الهی به پیامبر خدا (ص) بقبل از فتح مکه به پیامبر(ص) و مسلمین داده شده تا استقامت و امیدواری مؤمنان در مسیر اطاعت خدا، فزاینده شود.

٤ـ۲. فعل شرط ماضی «جاءَ» در اولین آیه دو سوره

در آیه اول سوره المنافقون و النصر علاوه بر شروع سوره با «اذا»ی ظرفیه ـ شرطیه و علی‌رغم تفاوت در متعلق آن، اشتراک معنایی در فعل ماضی «جاء» مشهود است. همانطور که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

اشاره شد فعل ماضی بعد از اذا، قطعیت وقوع امری را می‌رساند. این قطعیت و توجه به خبر «اذا» در هر دو سوره دیده می‌شود. درسوره المنافقون، دلالت بر قطعیت ادعای کذب مُخبری منافقان در حضور پیامبر(ص) دارد که مطابق سبب نزول این سوره، دلالت بر قطعیت رسوایی و مذمت و سوء عاقبت منافقان در این دنیا و قیامت دارد.

در سوره النصر نیز دلالت بر قطعیت وقوع نصرت و فتح مکّه و انتشار جمعیت مسلمین به صورت داخل شدن در زمره دین مبین اسلام به صورت دسته‌دسته دارد. این اتفاق نیز مطابق روایات تفسیری، دال بر فتح نهایی و استقرار دین الهی در سراسر عالم نیز هست. (قمی، ۱۲۶/۲)

٤ـ۳. کاربرد فعل ماضی «رَأَیتَ»

از اشتراکات دیگر این دو سوره اذائیه، فعل ماضی «رأیت» در آیه چهارم سوره المنافقون و آیه دوم سوره النصر است که شامل همین قانون تأثیرگذاری بر مخاطب و اشتراک معنایی در کاربرد فعل ماضی بعد از اذای ظرفیه و شرطیه می‌شود. فعل ماضی «رأیت» به عنوان فعل شرط در سوره المنافقون و به عنوان فعل جزاء شرط در سوره النصر به کار رفته است.

در هر دو آیه یک خطاب عمومی مشاهده می‌شود که در سوره المنافقون به دیدن وضع و حال منافقان و در سوره النصر به مشاهده پیروزی و گسترش مسلمانان اشاره می‌کند. به طور کلی «رَأَیتَ» به دیدنِ وضع و حال منافقان در سوره المنافقون و نیز مؤمنان در سوره النصر اشاره دارد که به عنوان قرینه‌ای در ارتباط‌سنجی بین دو سوره قابل استناد است. در این دو سوره، فعل رأیت شاید با چشم ظاهری دیدن و خوب شناسایی کردن باشد. یعنی شناخت امور به گونه‌ای که با چشم و قلب دریافت شود. (عاملی نباطی، ۵۰۵)

٤ـ٤. مدنی‌النزول بودن دو سوره

طبق روایات ترتیب نزول و سیاق آیات هر دو سوره قطعاً مدنی‌النزول هستند. سوره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

«المنافقون» پس از سوره «النصر» قرار گرفته که زمان نزول آن به سال نهم هجری می‌رسد. اما برخلاف روایات ترتیب نزول، همانطور که پیش‌تر اشاره شد، گزارش‌های تاریخی و روایات سبب نزول، دلالت دارد که سوره المنافقون در راه بازگشت مسلمانان از جنگ بنی‌مصطلق، در شعبان سال پنجم هجری نازل شده است. سوره النصر[۱] به قول مشهورتر در حجه‌الوداع و در اواخر عمر پیامبر(ص) نازل گردید. از این‌رو آیات زمان‌دار این دو سوره، که اصلی‌ترین منبع تاریخ‌گذاری‌اند، نشانگر نزول هر دو سوره، پس از هجرت است که تحت عنوان مدنی‌النزول بودن از اشتراکات این دو سوره می‌باشد. چرا که فضای حاکم بر دو سوره که بعد از هجرت است در یک فضای نسبتاً مشترکی بوده‌اند که منافقین در سطح جامعه رخنه کرده و به‌عنوان عامل مخرّب، تأثیرگذار بوده‌اند.

علاوه بر روایات ترتیب نزول و سبب نزول، موضوع اصلی هر دو سوره نیز که به اقتضای علائم محتوایی و قیاسی مربوط به نصرت الهی در جریان فتح مکّه و بشارت گستردگی دین اسلام در سراسر عالم پس از فتح مکّه (در سوره النصر) و نیز شرح‌حال منافقان (در سوره المنافقون)، صراحتاً جزء خصایص سور مدنی به شمار می‌آیند، وجهی از ارتباط و اشتراک بین این دو سوره از حیث فضای نزول است.

٤ـ۵. اشتراک سیاق در آیات و تعابیر دو سوره

سیاق در آیات سوره المنافقون با آیات خود سوره و نیز با سیاق در آیات سوره النصر دارای اشتراک معنایی و مصداقی هستند. نظیر:

الف) «اذا»ی ظرفیّه ـ شرطّیه در مطلع مشترک آیات آغازین در هر دو سوره که دلالت بر معنای مستقبل دارد.

ب) اشتراک در سیاق آیات :

ـ آیه ۵ و ۶ سوره المنافقون بر آیه ۳ سوره النصر تطابق سیاقی و معنایی دارد که در

---

۱. هرچند در زمان نزول دقیق آن هنوز محل اختلاف است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

هر دو آیه به امر بر استغفار و استفاده از این بشارت الهی در تـواب بـودن خـدا و مبحـث توسل، تأکید دارند. در آیه ۵ علاوه بر استغفار به توسل بـه پیـامبر(ص) بـه امیـد قبـولی استغفار و بعنوان یک فرصت الهی توصیه شده که منافقان بخاطر کبرشـان، فرصـت‌سـوزی کردند. در آیه ۳ سوره النصر نیز توسل به تسبیح و حمد خدا به امید بخشش او بـه عنـوان راه پذیرش توبه از جانب خدا معرفی شده که طبق روایات تفسیری و تأویلی، این بشارت، عکس‌العمل و تأثیرات و نتایج متفـاوتی در ایـن دو گـروه دارد. هرچنـد علـی‌رغـم دادن فرصتهای متعدد به منافقان و رفتار کریمانه پیامبر(ص) با آنان، ازآنجایی‌که منافقـان اعتقـاد قلبی و حقیقی به رسالت پیامبر(ص) نداشتند، بجای این‌کـه اسـلام خـود را تقویـت کننـد، کارشکنی کردند. خداوند که به حالات و اعمال ظاهری و پنهانی منافقان احاطه کامل دارد، توفیق توبه را با ندادن مهلت، از منافقان، سلب می‌کند. (فخررازی، ۳۰۳/۲)

ـ آیه ۸ سوره المنافقون با آیه اول و دوم سوره النصـر اشـتراک سـیاق دارد. در آیـه ۸ سـوره المنافقون به حیات عزتمند پیامبر(ص) و مومنان در مدینه اشاره دارد و سوره النصـر بـه عـزت و پیروزی و فتح مومنان در هنگام خروج از مدینه و ورد به مکّه در جریان فتح مکه دلالت می‌کنـد. از سوی دیگر، قطعیت عزتمندی خدا و رسول او و مؤمنـان در در ایـن آیـه سـوره المنـافقون بـا قطعیت نصرت و فتح مؤمنان در آیه اول و دوم سوره النصر، اشتراک معنایی و سیاقی دارد.

ـ سیاق آیه ۹ سوره المنافقون با سیاق آیه ۳ سوره النصر ارتباط دارد. چرا کـه در هـر دو سوره به بخشی از نعمتهای بی‌شمار الهی اشاره می شود. سوره المنافقون ضمن یادآوری نعمت دنیوی مال و فرزند به نقش بازدارندگی نعمتهای ظاهری در غفلت هشدار می دهد و مؤمنان را انذار می‌کند و در سوره النصر به نعمتهای عظیم خدا و گسترش دین الهی اشـاره می‌کند و به مؤمنان بشارت یاری و فتح و پیروزی نهایی می‌دهد. به طور کلی مفهوم بشـیر و نذیر قرآنی در تطابق این دو آیه در این دو سوره مشهود است.

٤ـ۶. تطابق معنایی و مصداقی ترکیب «سبیل‌اللّه»، «ذکراللّه»، دین‌اللّه»

واژگان «سبیل‌اللّه» و «ذکراللّه» در سوره المنافقون از نظر مفهوم و مصادیق، بر هم منطبق

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

هستند. همچنان است واژگان «نصراللّه» و «دین‌اللّه» در سوره النصر که اشتراک مصداقی و تفسیری دارند. تعابیر ترکیبی اضافی با «اسم جلاله»: از جمله تعابیر خاصی است که تطابق معنایی و مصداقی بین آنها دیده می‌شود و عبارتند از:

واژه سبیل‌اللّه در آیه ۲ سوره المنافقون در عبارت «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» بر دین‌اللّه در سوره النصر منطبق است. دین اللّه در سوره النصر نیز بر دین اسلام قابل انطباق است؛ چرا که طباطبایی می‌گوید: خدای تعالی به حکم آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَاللَّهِ الْإِسْلامُ» (آل‌عمران، ۱۹) غیر اسلام را دین نمی‌داند. (طباطبایی،۶۵۲/۲۰)

نیز ذکراللّه در سوره المنافقون، بر دین‌اللّه در سوره النصر تطابق دارد. از امام‌باقر (ع) روایت شده که در توضیح «وَصَدوا عن سَبيلِ اللّه» فرمود: یعنی [منافقین] از ولایت علی(ع) جلوگیری می‌کنند.(عاملی نباطی،۴۹۶)

نیز ذکراللّه در آیه ۹ سوره المنافقون در عبارت «لا تُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» آمده‌است: هرچند ذکر در قرآن به صورت مصادیق مختلفی مانند: قرآن، پیامبراکرم(ص)، علی (ع)، و ائمه اطهار (ع)، ولایت و امامت و پیروی از علی (ع) و دیگر امامان آمده، اما در معنای متداول آن اقرار به پیامبری رسول خدا (ص) و ولایت جانشینان او تفسیر شده‌است. ذکر یعنی یادکردن از نعمت‌های خدا و احسان او، به گونه‌ای که با ایمان به او و ایمان به پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) مناسب باشد.(عاملی نباطی،۴۹۶) امام صادق(ع) می‌فرماید: رسول‌اللّه (ص) ذکر است و ما اهل بیت او، اهل ذکریم. (کلینی، ۲۶۹/۱) بنابراین مصادیق سبیل‌اللّه، ائمه معصوم (ع) و دین‌اللّه می‌شود.

٤ـ۷. اشتراک در مفهوم تفسیری و روایی «نصرت و فتح و عزت» در هر دو سوره

منظور از نصراللّه در آیه اول سوره النصر در عبارت «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» علی(ع) و جانشینان اوست. در مناقب ابن‌شهرآشوب روایتی از پیامبر(ص) پیرامون تفسیر آیه، «هوالذی ایّدک بِنَصره» (الانفال، ۶)، نقل شده که فرمود: یعنی تو [رسول‌الله] را با علی(ع)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

تقویت نمود. پس منظور از «نصر»، علی (ع) است. (مجلسی، ۲/۲۷، ابن‌شهرآشوب، ۳۰۶/۳) از امام باقر(ع) نیز نقل شده که: پیامبر(ص) در خطبه‌ی غدیر فرمود: علی (ع)، ناصر و یاری‌کننده‌ی دین خدا است. (طبرسی، احمدبن‌علی،۵۹)

کلمه «اللّه» به قرینه لفظی در واژه فتح [اللّه] حذف شده‌است. روایتی از جابر درباره عبارت "بکِم فَتحاللّه..." واقع در برخی متون زیارتی نقل شده، که پیامبر(ص) فرمود: نخست چیزی که خدا آفرید نور من بود، و نور علی را از آن برگشود. (مجلسی، ۱۷۰/۵۴) طبق این روایت، مراد از فتح‌اللّه وجود مبارک پیامبر(ص) و علی (ع) است.

درباره دین‌اللّه به نظر علامه طباطبایی بخش سبیل اللّه استناد شد. طبق روایات تأویلی، مقصود از دین، نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار(ع) و دین خدا است، چرا که هرکسی آنان را نشناسد، پس دین خدا را نشناخته است. اینان اصل و ریشه دین و عزت آن هستند و عبادتی پذیرفته نمی‌شود مگر با شناخت آن‌ها. تکذیب دین به تکذیب ولایت و تکذیب ولایت به تکذیب پیامبر(ص) و علی (ع) تفسیر می‌گردد. (عاملی نباطی،۴۴۷). از امام صادق (ع) ذیل آیه ۱۳۲ «البقره» در عبارت«یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی لَکُمُ الدِّینَ» نقل شده است: دین، همان ولایت علی(ع) است. (ابن‌شهرآشوب،۲۵۳/۲) قطعیت عزتمندی خدا و رسول او و مؤمنان در در آیه ۸ سوره المنافقون با قطعیت نصرت و فتح مؤمنان در آیه اول و دوم سوره النصر، اشتراک معنایی دارد. بنابراین مفاهیم عزت و فتح و نصرت در این دو سوره با هم اشتراک معنایی و مصداقی دارند.

٤ـ۸. نقش محوری در مفهوم تفسیری و تأویلی اطاعت و ولایت در دو سوره

در روایات تأویلی، محوریت ولایت در دو سوره مطرح شده به‌گونه‌ای که تقابل منافقان با مؤمنان در ولایت‌پذیری خدا و رسول او و مؤمنان حقیقی، نکته‌ی کلیدی این دو سوره است.

مطابق روایات تأویلی، عامل اصلی هلاکت و عدم نصرت الهی و عقوبت شوم منافقان، ولایت‌ناپذیری ایشان است: از منظر تأویل واژه منافقون در آیه اول و ریشه آن نفق و نفاق و... این نکته تربیتی و اعتقادی برداشت می‌شود که مبحث ولایت در این سوره، مورد تأکید

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

قرار گرفته و منافق را دشمنان ولایت برمی‌شمارد.

از امام کاظم (ع) نقل است که: خداوند هر آن‌کس را که از رسولش در خصوص ولایت وصیّ‌اش پیروی نکند، منافق نامیده و کسی را که وصیّ او و امامتش را انکار کند، همانند کسی قرار داده که محمّد(ص) را انکار کرده‌است. خداوند دراین‌باره، آیه‌ای را نیز نازل کرده و فرموده‌است: ای محمّد(ص)! «إِذَا جَاءکَ الْمُنَافِقُونَ...» در خصوص ولایت وصیّ خودت [است]. (استرآبادی، ۶۶۹)

نظیر همین روایت از امام کاظم (ع) نقل شده است که: خداوند کسانی را که از پیامبر(ص) در مورد وصی و جانشینش پیروی نمی‌کنند منافق نامیده است. و هرکس منکر وصیّ او شود مانند کسی است که منکر نبوّت شده باشد. چون ایمان به رسالت تو می‌آورند ولی نسبت به ولایت وصی و جانشینت کافرند. (کلینی،۴۳۲/۱؛ استرآبادی، ۶۶۹)

در سوره النصر، ولایت‌پذیری مؤمنان از خدا و رسول او و اوصیای معصوم ایشان، موجب بهره‌گیری از نصرت الهی معرفی شده است. چرا که طبق تفاسیر تأویلی، واژه‌های «نصر» و «فتح» در آیه‌ی اول سوره النصر، منطبق بر ولایت حضرت علی (ع) و ائمه (ع) است که توضیحات آن چنین است:

در احادیث، تأویل نصرالله و امثال آن به علی (ع) و به حضرت قائم (عج) و قیام او آمده است. بنابراین صحیح است که آیاتی را که پیرامون نصرت و یاری آمده است را در موارد مناسب به یکی از این تأویل‌هایی که ذکر شده و نظایر آن که به آن تاویل‌ها برمی‌گردند، به تأویل برد. (عاملی نباطی،۱۱۰۱) نمونه‌هایی از مؤیدات روایی [گواهی بر تأویلات دور و نزدیک]:

در تفسیر قمی، پیرامون تفسیرآیه «و لئن جاء نصر من ربّک» (العنکبوت، ۱۰/۲۹) آمده است که: منظور، حضرت قائم (ع) است. (قمی، ۱۲۶/۲) این روایت مانند روایاتی مربوط به رجعت، به دلیل این‌که بسیاری از انبیاء و ائمه (ع) در دنیا کشته‌شده و یاری نشدند و در زمان رجعتشان در آخرالزمان مورد یاری خدای متعال قرار خواهندگرفت، اشاره به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

تأویلاتِ دورِ واژه‌ی «نصر» (یعنی اتفاقی دورتر از آنچه طبق تفاسیر، در جریان فتح مکه گفته شده) می‌تواند محسوب شود.

برخی مؤیدات روایی انطباق «فتح» بر مفهوم «ولایت»، ذکر می‌شود:

در تفسیر قمی از امام صادق (ع) درباره تفسیر «فتح» در آیه ۱۳ سوره «الصف» در عبارت «نصرٌ من اللّه و فتحٌ قَریب» روایت شده که فرمود: منظور، در این دنیا با فتح و گشایش حضرت قائم(ع) همراه‌است. یعنی فتح قریب را به قیام حضرت قائم (ع) به تأویل برده‌اند.

فتح و پیروزی الهی و نصرت خداوند، منوط به یاری مردم از دین اوست و در سوره النصر وقتی خبر از نصرت و فتح می‌دهد می‌توان آن‌را به معنای ولایت به تأویل بُرد. چراکه با توجه به آیه ۶۲ سوره الأنفال، علی (ع) مصداق بارز بهترین یاریگر از طرف خدا، است. (مجلسی، ۲/۲۷)

نتایج مقاله

۱. با تطبیق مؤلفه‌های مؤثر همچون: مطلع مشترک، متعلّق اذای شرطیّه ــ زمانیّه و ارتباط آن با محتوای سوره، مکان و فضای نزول، هدفمندی سوره و هماهنگی مضامین با اهداف سوره و تبیین ابعاد مهم تحلیل معنایی و مضمونی و نیز توجه به سیاق آیات، با بهره‌گیری از روایات معصومین(ع)، به ارتباط معنادار و مؤثری بین این دو سوره برای فهم‌پذیری و تعمیق بیشتر مخاطب در دریافت پیام‌های دو سوره می‌توان دست یافت. بدیهی است که این امر، الزاماً به معنای اشتراک در تمام آیات و در تمام جهات نیست.

۲. مهمترین وجوه اشتراک هر دو سوره (از حیث محتوا و مضمون و سیاق آیات) در زمینه مبانی اعتقادی: در موضوع اعتقاد راستین به خدا، در حوزه‌های عملی و عبادی: دستور به انفاق و استغفار و در حوزه‌های اخلاقی و تربیتی: توجه به یاد خدا، یاد مرگ، حالت مراقبه در دوری از معاصی و توجه به عزت‌مندی حقیقی، می باشد.

از حیث ابعاد تحلیل معنایی و محتوایی نیز دارای ساختار مشترکی در مطلع آیه آغازین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

با اذا، جواب شرط قطعی‌الوقوع جاء، مطابقت مفهومی و مصداقی برخی واژگـان مشـترک، ارتباط سیاق آیات در هر سوره، هماهنگی مضامین هر سوره با اهداف آن، ثبوت نصرت و فتح مؤمنان و قطعیت زوال دشمنان دین می‌باشند.

۳. آثار اعتقادی اثربخشی دراعتقاد به مفهوم ولایت، در هـر دو سـوره قابـل اسـتنتاج است. به طوری‌که سوره المنافقون، نفاق را نشانه صریح دشمنی با ولایت دانسته و منافقـان را به همین خاطر شقاوتمند محسوب کرده و سوره النصر به یاری حقیقی دوستداران ولایت اشاره کرده و شیعیان حقیقی ایشان را سعادتمند معرفی می‌کند. یعنی هر دو سوره، اشاره به مفاهیم «تولّی و تبرّی» در فروع دین اسلام دارند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعه النشر و التوزیع، بیروت،۱۴۱۴ق.

۳. ابن‌شهرآشوب، محمدبن‌محمد، المناقب، مصحح: محمدحسین آشتیانی، نشرعلامه، قم،۱۳۷۶ش.

۴. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، محقق: استاد ولی، حسین، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.

۵. بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان، البرهان فی تفسیرالقرآن، محقق: بنیاد بعثت، مؤسسه‌البعثه، قم،۱۴۱۶ق.

۶. بروجردی، حسین‌بن‌رضا، تفسیر الصراط‌المستقیم، محقق: غلامرضا بروجردی، مؤسسه انصاریان، قم،۱۳۷۴ش.

۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیرتسنیم، نشر اسراء، قم،۱۳۷۸ش.

۸. حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه، تفسیر نورالثقلین، نشر اسماعیلیان، تهران،۱۴۱۵ق.

۹. خا کی، غلامرضا؛ روش تحقیق در مدیریت؛ مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد، تهران ۱۳۷۹ش.

۱۰. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران،۱۳۸۶ ش.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد،المفردات فی غریب القرآن، دارالشامیه، بیروت،۱۴۱۲ق.

۱۲. سیوطی، جلال‌الدین، الإتقان فی‌علوم‌القرآن، دانشکده اصول الدین، قم،۱۳۶۳ش.

۱۳. همو، تناسق الدرر فی‌تناسب السور، تحقیق: السید الجمیلی، دار و مکتبة الهلال، ۱۴۰۸ق.

۱۴. صدر، سیدمحمدباقر، مباحث الاصول، مقرر: سیدکاظم حائری، ۱۴۰۸ق.

۱۵. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبارالرضا، محقق: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ش.

۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی‌تفسیرالقرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۷. طبرسی، احمدبن‌علی، الإحتجاج، مصحح: محمدباقر موسوی خراسانی، نشرالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۱۸. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان فی‌تفسیرالقرآن، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۹. عاملی‌نباطی (شریف‌عاملی‌نباطی‌فتونی)، ابوالحسن، مرآه‌الأنوار و مشکاه‌الأسرار (به ضمیمه‌ی‌جلد اول تفسیرالبرهان سیدهاشم بحرانی)، نشر مؤسسهٔ‌الاعلمی، قم، ۱۴۱۶ق.

۲۰. عوّا، سلوی‌محمد، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن‌کریم، ترجمه سیدحسین‌سیّدی، آستان قدس‌رضوی، مشهد،۱۳۸۲ش.

۲۱. عیاشی، محمدبن‌مسعود، التفسیر، مکتبه‌العلمیه‌الإسلامیه، تهران،۱۳۸۰ش.

۲۲. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، دارالتراث، مصر، بی‌تا.

۲۳. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس‌المحیط، دارالکتب‌العلمیة، بیرت، ۱۴۱۵ق.

۲۴. فیض‌کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی، الصافی، مکتبه‌الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.

۲۵. قرطبی، محمدبن‌احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، نشر ناصرخسرو،۱۳۶۴ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

۲۶. قمی مشهدی، محمدبن‌محمدرضا، کنزالدقائق و بحرالغرائب، محقق: حسین درگاهی، مؤسسه‌الطبع و النشر، تهران، ۱۳۶۷ش.

۲۷. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر قمی، محقق و مصحح: سیدطیب‌موسوی‌جزایری، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ش.

۲۸. کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، مؤسسه‌ی‌دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ش.

۲۹. لسانی‌فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین، سوره‌شناسی، نشر نصایح، قم، ۱۳۹۴ش.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، محقق و مصحح: جمعی از نویسندگان، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۳۱. مصلائی‌پوریزدی، عباس و دیمه‌کار، محسن، تنوع و نوع‌آوری در بیان داستان محاجه‌ی حضرت ابراهیم با آذر و قومش در قرآن‌کریم، صحیفه‌ی مبین، تهران، شماره۴۴، ۱۳۷۸ش.

۳۲. مطهّری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۷۸ش.

۳۳. معرفت، محمدهادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسه التمهید، قم، ۱۳۸۳ش.

۳۴. مفید، محمدبن‌محمد، إرشاد القلوب، مصحح: مؤسسه‌آل‌البیت(ع)، قم، ۱۴۱۳ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.3.4]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-07]